

میدون و سوفیا

آیا شیرها سلام می‌دهند؟



► **پوریا عالمی**

- : سلام سوفیا، عشقم.
- سلام میدون دوم. ای مرد خردمند. ای دانشمند جوان. راستش امروز یک خبری خواندم که ریختم به هم.
- : می‌خواهی مرتبت کنم؟
- نه، بگو ببینم این خبر یعنی چی؟ «خبر ادغام بانک‌های غیرنظامی تکذیب می‌شود».
- : خب اینکه خیلی تابلوه‌ی سوفیا. این یعنی بانک‌های غیرنظامی ادغام نمی‌شوند.
- مگه بانک نظامی هم داریم که غیرنظامی‌اش ادغام نمی‌شود؟

: اینکه تو فکر می‌کنی بانک غیرنظامی داریم جای بررسی داره. دختر خوب، الان در یخچال را باز کنی شیشه‌شیر بهت سلام نظامی می‌دهد. همین موز و آناناس که می‌بینی که صبح‌به‌صبح خور می‌دهند. شکر را می‌خواهی بریزی توی لیوان چایی، حواست نباشد که از پشت بهت پاتک می‌زند. کجای کاری؟ اصلا الان به یک جایی رسیدیم که اگر کسی گفت من خصوصی هستم، یا نمی‌داند که نیست یا می‌داند، اما طوری تربیت شده که راستش را نکوید. بانک که جای خود دارد. بعد هم خودت فکر کن چرا باید بانک ما غیرنظامی باشد؟ مگر ندیدی که پول را می‌خواهند جابه‌جا کنند چندان نظامی از پول مراقبت می‌کنند؟ خب چه کاری است؟ همان‌ها بروند پشت باجه و پول مردم را بگیرند و بدهند. آیا امنیتش بیشتر نیست؟ آیا به نفع مردم نیست؟ تو همیشه دوست داری منفی ببینی. من که باشم دعوت می‌کنم به صورت کلی چندان سوله خیلی بزرگ بسازند ما برویم آنجا با خیال راحت زندگی کنیم؛ هم امنیت داریم، هم می‌این رسانه‌ها و اینترنت تیرتر نمی‌زنند فلان چیز نظامی است و فلان چیز غیرنظامی. واقعا این چه حرفی است که رسانه‌ها می‌پرسند؟ اگر ادغام شد که شد، اگر نشد هم نشده دیگر.

- ممنون میدون دوم. تو همیشه بهترین تحلیل‌ها را داری. کاش بایمن‌پور تو را هم کشف کند و از توی تلویزیون بهت تلفن کند که بروی روی آنتن و مشکلات مردم را با گوشت و پوست حل کنی.

روزنامه شتر

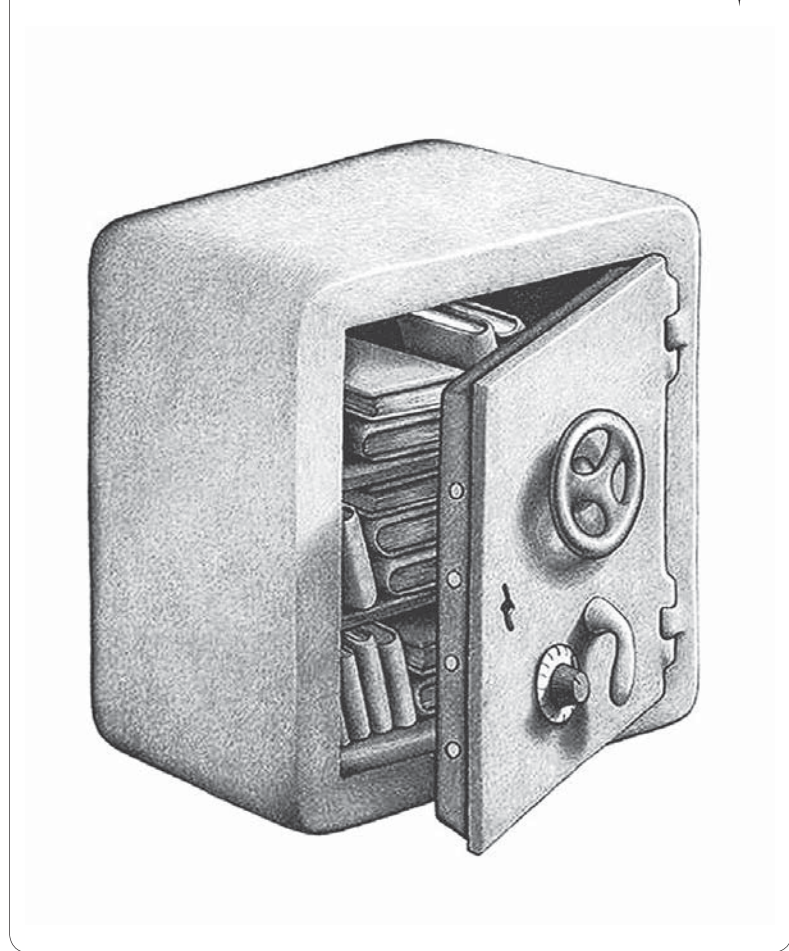
www.sharghdaily.ir

دوشنبه ۱۷ تیر ۱۳۹۸
۵ ذی‌القعده ۱۴۴۰
۸ جولای ۲۰۱۹
سال شانزدهم
شماره ۳۴۶۹
۱۶ صفحه
اذان ظهر تهران ۱۳:۰۹
اذان مغرب ۲۰:۴۴
اذان صبح‌فردا ۴:۱۱
طلوع آفتاب ۵:۵۶

روزنفرها

کارتون خواب

پانولو دالیوتته



رویکرد سیستمی در حوزه عمومی - ۵

در آرزوی رفاه در بازنشستگی



اکبر قراخانی‌بهار

افرادی که به علت بلایای طبیعی توان اداره زندگی خود را از دست می‌دهند تا زمانی که شرایط بحران خاتمه یابد و عادی شود و با حمایت سازمان‌های متولی جذب بازار کار شوند.
ناتوانان به رکن رفاه احاله می‌شوند.

- «بازنشستگی» به شرط پرداخت حق بیمه و داشتن پس‌انداز در زمان اشتغال؛ موارد زیر در صورت حصول شرایط گفته‌شده به «بازنشستگی عمومی» مذکور در رکن رفاه (به عنوان حقوق پایه) اضافه می‌شوند و در مجموع حقوق بازنشستگی فرد را تشکیل می‌دهند. در این صورت از «بازنشستگی عمومی» به عنوان «بازنشستگی پایه» (basic pension) یا بازنشستگی با نرخ مسطح» (flat rate pension) نیز یاد می‌شود.

- حقوق بازنشستگی براساس میزان مشارکت فرد در پرداخت حق بیمه و فقط برای بیمه‌شدگان که آن را «حق بازنشستگی مبتنی‌بر درآمد» (income based pension) نیز می‌توان نامید. این پرداخت به جای پرداخت براساس سیستم سنتی فعلی (مزایای تعریف‌شده) می‌تواند براساس «مشارکت تعریف‌شده» (DC = Defined Contribution) به مفهوم میزان مشارکت حق بیمه بازنشستگی پرداختی در طول سال‌های پرداخت در سرمایه‌گذاری‌های صندوق انجام شود. این کار می‌تواند با افتتاح یک «حساب اسمی» به نام شخص و واریز کلیه حق بیمه‌های پرداختی از همان ابتدا در این حساب که خود فرد امکان دسترسی به آن را ندارد و با فرض سرمایه‌گذاری در سرمایه‌گذاری‌های صندوق متولی بازنشستگی تعیین شود.

- حقوق بازنشستگی براساس میزان مشارکت تکمیلی بیمه‌شده و فقط برای بیمه‌شدگانی که علاوه بر پرداخت حق بیمه، با موافقت خود به‌صورت ماهانه درصدی از حقوق خود را (با فرض یک حداقل درصد اجباری) نزد صندوق بیمه پس‌انداز کرده باشند که آن را «حق بازنشستگی مبتنی بر پس‌انداز» (savings based pension) نیز می‌توان نامید. این کار می‌تواند با افتتاح یک «حساب واقعی» به نام شخص و واریز کلیه پس‌اندازهای پرداختی از ابتدا در این حساب انجام شود. کسانی هم که نتوانند جذب بازار کار شوند، تحت شرایطی به رکن «رفاه» احاله داده می‌شوند. در این صورت، سازمان‌های متولی پرداخت یارانه‌های مستقیم و کمک به سالمندان و سازمان‌های متولی بیمه بازنشستگی نیز می‌توانند در کنار این دو رکن، «سیستم چهاررکنی» شامل «رفاه»، «حمایت»، «امداد» و «بازنشستگی» به عنوان مؤلفه‌های اصلی یک سیستم جامع به شرح زیر را تشکیل دهند:

رفاه شامل:

- «رفاه عمومی»: برخورداری از حداقل حقوق ماهانه به صورت دائم برای افرادی که به دلیل قرارگرفتن در «دهک‌های پایین» جامعه یا شرایط خاص امکان اداره زندگی خود را ندارند.
- «بازنشستگی عمومی»: پرداخت مقرری ماهانه حداقل برای کلیه ساکنان کشور از یک سن معین به بعد (مثلا ۶۰ سال) و با شرط طول اقامت (مثلا ۴۰ سال) در کشور. اعم از اینکه بیمه بازنشستگی داشته یا نداشته باشند.
- «حمایت موتقی»: برخورداری از حمایت‌های جنسی یا مالی به‌صورت موقت برای افرادی که نتوان اداره زندگی خود را ندارند تا زمانی که توان لازم را پیدا کنند و با حمایت سازمان‌های متولی، جذب بازار کار شوند. ناتوانان به رکن رفاه احاله می‌شوند.
- «امداد موتقی»: برخورداری از کمک‌های دولتی یا مردمی اعم از جنسی یا مالی به‌صورت موقت برای

آکادمی

فشارخون و طب جامعه‌نگر



بابک زمانی

رئیس انجمن سکنه مغزی

به نظر می‌رسد برنامه سراسری اطلاع‌رسانی فشارخون که به‌تازگی در سراسر کشور به اجرا درآمد، با موضوع طب جامعه‌نگر که بعد از دوران جدید وزارت رزمه آن بارها به گوش می‌رسد، پی‌ارتباط نباشد. در اهمیت فشارخون به‌عنوان مهم‌ترین عامل تغییرپذیر در پیشگیری از سکنته‌های قلبی و مغزی، تردیدی وجود ندارد، اما با نگاهی عمیق‌تر معانی مدرن‌تری از طب جامعه‌نگر در نظر ظاهر می‌شوند که متأسفانه تاکنون به آنها توجه و تأکید نشده است. اطلاع‌رسانی به معنای رساندن پیام اهمیت فشارخون و این توصیه که «ای مردم فشارخون مهم است، فشارخون خود را بگیرد!» به خودی خود واجد اهمیت زیادی است؛ حتی اگر قصد، گرفتن فشارخون یک ملت باشد، آن‌هم در شرایطی که سنت و تمهیداتی برای ثبت و رژیسترتکردن بیماری‌ها، ازجمله نتایج همین کمپین وجود نداشته باشد. توجه انحصاری به فشارخون بدون درنظرگرفتن عوامل دیگر، اما تبعات منفی هم دارد؛ به‌ویژه اگر شیوه درمان و معنای تلویحی آن به‌خوبی جا نیفتاده باشد. به این معنا که وسواس فشارخون به‌صورت درنظرگرفتن این «فاکتور خطر» به‌عنوان «علت» همه بیماری‌ها و پیدایش میان‌سالان و سالمندان مضطربی که شب‌ها هم بی‌آرویند فشارخون می‌خوانند، بیش‌ازپیش شیوع خواهد یافت. به‌علاوه معانی اساطیری دو رقم جادویی فشارخون در آورژانس‌ها هم بیش‌ازپیش در نظر پزشکان توجیه همه بیماری‌ها و حالات بشری خواه شد و از این‌رو در بسیاری از موارد علتی که باعث افزایش فشارخون شده است، از اضطراب گرفته تا سرگیجه حاد و سکنته مغزی و... مورد پی‌توجهی قرار خواهد گرفت. حتی با وجود این پدیده‌ها هم اطلاع‌رسانی فشارخون هم‌چنان ضروری است، اما نمی‌توان این را بخشی از طب جامعه‌نگر به حساب آورد، چراکه باز این تک‌تک افراد هستند که فشارخون‌شان را بررسی می‌کنند. معانی اصلی طب جامعه‌نگر در واقع سلسله اقداماتی است که باید جامعه (که خود را در قالب دولت مدرن به معنای مهم‌ترین دستاورد تاریخ بشر متبلور می‌سازد) به‌عمل آورد تا سلامت قطع نظر از اراده افراد ارتقا یابد. این‌ن فقط بسیاربسیار مؤثرتر است، بلکه رویکردی نوین‌تر و می‌توان گفت انسانی‌تر هم هست؛

چراکه طب مدرن به موازات دورشدن از سنت‌ها و سخت‌گیری‌های غذایی و رفتاری که ریشه در نوعی روابط قدرت کهن دارند، تلاش در کمترین مداخله در سلایق رفتاری و غذایی بیماران دارد. در جوامع مدرن دولت بر مصاد غذایی‌ای که در اکثریت موارد قبل از مصرف در آشپزخانه منزل یا رستوران نوعی آماده‌سازی قبلی داشته‌اند، نظارت مستقیم دارد و بر میزان نمک و املاح و درج آن روی بسته‌های غذایی نظارت می‌کند تا همه بتوانند میزان نمک برای بدن را که دوونیم گرم در روز است، محاسبه کنند. به‌علاوه فقط دولت مدرن است که می‌تواند بسته‌های فرهنگی خاصی را فراهم کند تا نه‌فقط استفاده از دخانیات در فضاهای در بسته محدود، ممنوع و سپس جرم محسوب شود، بلکه به درخواست انجمن‌های سکنه مغزی استفاده از نمک‌پاش را هم در رستوران‌ها محدود کند. این سیستم با اوضاعی که دولت حتی توان اخلاقی لازم برای برخورد با قلیان در اکثریت رستوران‌های درسته کشور را ندارد، زمین تا آسمان متفاوت است. به‌علاوه فقط وزارت بهداشت است که می‌تواند در تعامل با سایر ارگان‌ها باعث کاهش آلاینده‌های هوا، از طریق سیاست‌های تشویق حمل و نقل بدون دود از دوجرخه تا اسکوتر برقی و اتومبیل الکتریکی شود. در حالی‌که شهرهای بزرگ دنیا به درخواست انجمن‌ها، به دستور دولت‌ها و با همکاری شهروندان هر سال آمار افزایش درصد وسایل بدون دود برشمرده را به عنوان یک رکورد اعلام می‌کنند، طب جامعه‌نگر ما همچنان در دستورات به افراد درجا می‌زند؛ از تمهیداتی که اوقات فراغت و حتی اوقات کاری شهروندان را با فعالیت فیزیکی بیشتری پرمی‌کنند. بگذریم، از همه اینها مهم‌تر رسیدن به تشخیص و درمان دقیق فشارخون و اجتناب از درغلغلتیدن به افراط‌هایی که برشمردم، نیازمند یک وزیرت علمی از سوی پزشکانی است که فشارخون، بیمار را در قالب یک معاینه استاندارد ارزیابی و ثبت می‌کنند. قطعاً وجود دستگاه‌های پیشرفته‌تر محاسبه فشارخون و مانیتورینگ فشارخون از چند دقیقه تا چند روز شرط لازم برای درمان صحیح فشارخون هستند، اما انتظار تشخیص و درمان فشارخون در همه کشور و اجتناب از افراط و تفریط‌های برشمرده در حالی که وزیرت یک متخصص دانشگاهی رقمی در حدود دو دلار است و خود بیمارستان‌ها هم اسداتان را به وزیرت بیشتر و بیشتر تشویق می‌کنند و امکان کوچک‌ترین نظارت کیفی هم وجود ندارد؛ مثل آن می‌ماند که نته‌تها سر خود را در برف فرو ببریم، بلکه بیرون هم بیاوریم و یک کمپین ملی راه بیندازیم!

قصه‌های شهر

بعد از جدایی

یک قل جدا از خود، اما همانندم را نداشتم، چه برسد به اینکه یکی شبیه به خودم دائم متصل به من باشد، آن هم در شرایطی که هرکدام یک فکر و احساس و علاقه جداگانه داریم، یکی‌مان می‌خواهد چپ برود، آن یکی راست، یکی می‌خواهد به آسمان پرستاره چشم بدوزد، یکی می‌خواهد داخل رستوران با رفقا همبرگر بخورد، یکی می‌خواهد بدود و از همه خط‌ها بگذرد، یکی می‌خواهد بنشیند و ره صبر پیشه گیرد. قبول کنید موقعیت بسیار سختی است، به‌خاطر همین وقتی تصمیم نهایی لاله و لادن برای انجام این عمل خطرناک منتشر شد، کمتر کسی شمتاشان کرد. شاید بعد از پایان ناموفق جراحی و مرگشان، عده‌ای سر به تأسف تکان دادند و گفتند حیف، ارزش نداشت که زنده می‌بودند حتی با همان شرایط؛ راستش جواب این سؤال را کسی نمی‌تواند بدهد، جز خود تصمیم‌گیرندگان. حتی آنها هم به گمانم جواشان از سر قطعیت نبود، یک انتخاب بود. واقعیت این است که با هر انتخابی چیزهایی به دست می‌آوریم و چیزهایی از دست می‌دهیم. بعدش چه، یک جور تراژوگذاشتن است، انکار که می‌خواهیم مطمئن شویم به بهترین نتیجه دست پیدا کرده‌ایم. این‌طور اگر نگاه کنیم، بهترین دستاورد لاله و لادن از این جراحی، پیداکردن مزارهایی جداگانه بود، اما آنچه جان بر سرش گذاشتند، فضیلت انتخاب‌کردن بود. بعدش چه می‌شود؟ من مطمئن را می‌نویسم، بعضی می‌خوانند، بعضی نمی‌خوانند، بعضی هم شاید انتخاب کنند که فاتحه‌ای نثار روح لاله و لادن کنند، تک‌به‌تک، همان‌طور که خودشان می‌خواستند.

زیر آسمان شهر

در ایران باستان است و جشن آب‌پاشی و کوزه‌گردی آرزوها را نیز شامل می‌شود. جشن تیرگان به همراه نوروز و مهرگان و سده از جمله مهم‌ترین جشن‌های ایرانی است که در گذشته برای آیین‌های اهمیت وافرری داشت. امسال جشن آب و زندگی (تیرگان) برای اولین‌بار با حضور مسئولانی از سازمان اسناد و کتابخانه ملی برگزار شد. در این جشن کودکان کار میهمان واحد کودک و نوجوان کتابخانه ملی ایران بودند که مهتاز صولاتی تدارک جشن را برعهده داشت. جشن تیرگان با شاهنامه‌خوانی کودکان و شعر سیاهش کسرایی در مورد آرش کمانگیر و همچنین جشن آبریزگان همراه با نقاشی کودکان با موضوع «کتابخانه محلی امن برای مطالعه» اجرا شد. این کودکان همه دختر بودند؛ دخترانی که برخی از آنها کودکان کار بودند و برخی دیگر از کودکان فعال در کتابخانه. یکی از شادترین لحظات آب‌پزایی در حیاط پشتی کتابخانه بود.

جشن تیرگان با دختران کار

سانلی بهنود، فرهنگ ایرانی بر است از جشن‌ها و آیین‌هایی که به مناسبت‌ها گوناگون و در فصل‌های مختلف سال برگزار می‌شده است. آنچه در اغلب این جشن‌ها به چشم می‌خورد، نوعی شادی درونی و نشاط گروهی است که با ذات ایرانیان قرین شده. یکی از این آیین‌ها که البته امروزه به بوتۀ فراموشی سپرده شده، جشن تیرگان است که ایرانیان باستان آن را در روز سیزدهم تیر برگزار می‌کردند. درواقع جشن فرخنده تیرگان آغاز آن از روز تیر از ماه تیر است و به مدت ۹ روز ادامه دارد. تیرروز از تیرماه برابر با ۱۳ تیر در گاهشماری ایرانی که در گرامیداشت تیشتر (ستاره باران‌آور در فرهنگ ایرانی) است، در تواریخ سنتی تیرگان روز کمان‌کشیدن آرش کمانگیر و تیراب تیر از فراز البرز است. همچنین جشن تیرگان به روایت ابوریحان بیرونی در آثارالباقیه، روز بزرگداشت مقام نویسندگان

رسانه، جامعه، حریم خصوصی-۲

بازخوانی حوادث در دهه ۶۰

صادق صدقگو . دکترای مدیریت رسانه

روزگاری، آش «حریم‌شکنی» به‌قدری شور شد که در اوایل دهه ۶۰ و فاصله کمتر از یک ماه، سیستم اجرایی و قضائی نظام نوپای جمهوری اسلامی، شاهد دو برخورد صریح و شدید از سوی بنیان‌گذار جمهوری اسلامی بود. امام خمینی (ره) در ۲۴ آذر ۱۳۶۱ در نامه‌ای که به فرمان هشت ماده‌ای مشهور شد، نکاتی را متذکر شدند که چشم‌انداز رؤیایی آن همچنان دست‌نايافتنی و معلق باقی مانده است. با توجه به جو حاکم بر مناسبات سیاسی و همچنین فضای ملتبه کشور در آن مقطع زمانی (ترورها، درگیری‌هاو جنگ تحمیلی)، مباحثی مثل تأکید بر «میزان حال فعلی اشخاص است» یا تعیین حوزه دخالت کارگزاران نظام در زندگی خصوصی مردم در نوع خود کم‌نظیر و شاخصی مهم در دفاع از حریم خصوصی شهروندان محسوب می‌شود. در بندهای چهار تا هفت این فرمان، مطلب زیر مطرح شده است:
۱- احضار و توقیف افراد بدون حکم قاضی که براساس موازین شرعی است، جایز نمی‌باشد و تخلف از آن موجب تعزیر است.
۲- تصرف در اموال منقول و غیرمنقول بدون حکم حاکم شرعی که براساس موازین صادر گردیده، جایز نیست.
۳- ورود به مغازه‌ها و محل کار و منازل افراد بدون اذن صاحب‌خانه برای جلب یا به نام کشف جرم و ارتکاب گناه، ممنوع است.
۴- شوند تلفن، گوش‌دادن به نوار ضبط‌صوت دیگران به نام کشف جرم جایز نیست.
۵- تجسس از گناهان غیر و دنبال اسرار مردم‌بودن جایز نمی‌باشد.
۶- فاش ساختن اسرار مردم جرم و گناه است.
۷- تجسس در صورتی جایز است که برای کشف توطئه‌ها و مقابله با گروهک‌های مخالف نظام جمهوری اسلامی که قصد براندازی نظام و ترور شخصیت‌ها را دارند، قرار گیرد که کار آنان مصداق افساد فی‌الارض است.
۸- در صورت جواز تجسس باید ضوابط شرعی رعایت گردد و یا دستور دادستان باشد چراکه تعدی از حدود شرعی نسبت به آنان نیز ناروا است.
۹- کار مأموران قضائی از روی خطا و اشتباه وارد منزل شخصی یا محل کار خصوصی شدند و با آلوده‌ی نهار و قمار و فحشا و مواد مخدر برخورد کردند، حق ندارند آن را پیش دیگران افشا کنند و هیچ‌کس حق ندارد هتک حرمت مسلمان نماید و از ضوابط شرعی تعدی کند و حق جلب آنان را نیز نداشته و تنها باید نهی‌ازمکر کنند.
۱۰- کسانی که شغل آنان گردآوری و توزیع مواد مخدر است، مصداق مفسد فی‌الارض قرار می‌گیرند و علاوه بر ضبط مواد باید آنان را به مقامات قضائی معرفی کرد.
۱۱- قضات حق ندارند ابتدا حکمی صادر کنند که مأموران اجازه ورود به منازل یا محل کار افراد را داشته باشند که نه خانه امن و تیمی است و نه محل توطئه علیه نظام. امام خمینی پس از صدور این فرمان به‌منظور نظارت بر حسن اجرای آن و جلوگیری از تخلفات احتمالی، ضمن انتصاب ستادی متشکل از مسئولان اجرایی و قضائی ذی‌ربط، در سخنرانی‌های متعددی همچنان بر پیگیری اجرا و رعایت اصول آن تأکید کردند: «فرتن و جاسوسی‌کردن و تجسس‌کردن و کارهایی که می‌کردند، این کارها نباید بشود... نباید ما تعدی بکنیم و ظلم بکنیم و تفتیش از داخل خانه‌های مردم بکنیم... نباید مردم طوری کرد که مردم در خانه‌هایشان مطمئن نباشند، در زندگیشان، در تجارتشان، در کسبشان مطمئن نباشند. دولت اسلامی باید مردم را مطمئن کند... (باید) مردم در آرامش باشند و دولت ابدانمی‌تواند که تادی بکند به آنها و نباید تآذی بکند و اگر یک کسی تآذی کرد آن تآذیب خواهد شد... نباید باسدار و پاسبان و این‌طور چیزها به مردم تعدی بکنند... (که) در داخل خانه‌های مردم بخواهند یک وقت بروند، ببینند توی خانه چه می‌گذرد...»
با ملاقاتی با اعضای این ستاد، سکوت و مسامحه در برابر متخلفان را جایز نمی‌دانند و مسئله را آبروی اسلام و جمهوری دانسته و می‌گویند: «من الا ان اعلام می‌کدام اگر چنانچه اشخاص به واسطه اغراض فاسده بخواهند جوسازی کنند و بخواهند تلفن از این طرف و آن طرف بکنند و این مطلب معلوم بشود، خود آنها برخلاف موازین شرعی و مقابل اسلام می‌خواهند کار بکنند و من به ملت اعلام می‌کنم که هرکس که این کار را کرد، با او معامله فسق بکنند و به هیچ جایی از جاهایی که یک آدم عادل باید باشد، او را نپذیرند و اطلاع بدهند تا تآذیب بشوند آنها. یک کاری که اسلام می‌خواهد بکند، یک کاری که برای مردم، می‌خواهد ظلم را از مردم بردارد، آن وقت یک کسی بگوید ما جوسازی می‌کنیم، یک کسی بگوید که ما این کار را نمی‌کنیم، نباید بشود. این معنایش این است که کار اسلام نباید بشود و این افکش این است که اعلام‌رتبه فسق است و باید تعزیر بشود».
عصاره فرمان هشت‌ماده‌ای را می‌توان در ماده ۱۲ اعلامیه جهانی حقوقی بشر یافت: «باید در زندگی خصوصی، امور خانوادگی، اقامت گاه یا مکانیت با هیچ کس مداخله‌های خودسرانه صورت گیرد یا به شرافت و آبرو و شهرت کسی حمله شود. در برابر چنین مداخله‌ها و حمله‌هایی، برخورداری از حمایت قانون، حق هر شخصی است... و بر این مبنا، کمترین پیامد و دستاورد اجرایی‌شدن مفاد فرمان هشت‌ماده‌ای امام‌خمینی در آن مقطع زمانی، علاوه بر جلوگیری از هتک حرمت، حیثیت و آبروی شهروندان (حتی در برخورد با مظنونان، متهمان و متخلفان)، افزایش اعتماد عمومی جامعه نسبت به حاکمیت و بسته‌شدن راه هرگونه مداخلات خودسرانه در مناسبات امنیتی، انتظامی و قضائی بود.